مطلق در تاریخ روشنفکری او شمرد؛ نقطه‌ای که در آن روشنفکران عمومی به روشنفکران متخصص علوم انسانی بدل می‌شوند؛ کار علمی را پیشه خود می‌کنند و از هر دری سخن گفتن را به کنار می‌گذارند. طباطبایی از معدود روشنفکرانی بود که امسال توانست در دانشگاه سخنرانی عمومی داشته باشد؛ آن هم در خانه سابقش – دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران – که در اوایل دهه ۷۰ از آن اخراج شده بود. او که چندی است نقد نظامهای تولید دانش در ایران را پی می‌گیرد به جز معرفی کتاب و مروری بر پروژه فکری‌اش، نهاد دانشگاه را هم مورد انتقاد و بررسی قرار داد. حضور بعدی او در عرصه عمومی نشان داد که طباطبایی سعی در تلفیق سازوکارهای ارتباطی روشنفکری و کار آکادمیک دارد و وعده بعدی او با دانشجویان دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سلسله درس گفتارهایی با نام «هگل‌شناسی» بود که با استقبال دانشجویان برگزار شد.

حضور مجازی

شاید به دلیل میل به تجربه‌های جدید و شاید هم به جهت محدودیت‌های حضور در فضای واقعی، روشنفکران در سال ۸۵ گزینه فضای مجازی را هم انتخاب کردند. به جز سایت‌های شخصی که آرشیوی قابل دسترس از آثار روشنفکرها را فراهم می‌آورد – حالا تقریباً تمام روشنفکران ایران یکی از آن را دارند – امسال شاهد راه‌اندازی وبسایت‌های فعالی از روشنفکران هم بودیم. در این میان دو نمونه از همه موفق‌تر بودند: یکی سایت ناصر فکوهی و دیگری سایت گروهی رخداد. فکوهی سعی کرد سایت شخصی خود را به پایگاهی برای مطالعات انسان‌شناسانه تبدیل کند. به جز سخنرانی‌ها و مقالات او که مرتباً در سایت قرار می‌گیرند مطالبی از دیگر اساتید انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تحقیقات دانشجویی را هم می‌توان در این سایت مشاهده کرد. بر این‌ها اضافه کنید بخش‌های ویژه‌ای همچون بخش مخصوص «پی‌یر بوردیو»، جامعه‌شناس مورد علاقه فکوهی، و ترجمه‌هایی که به‌طور اختصاصی برای سایت برگردانده می‌شوند. اما اگر سایت فکوهی بیشتر صبغه آکادمیک دارد سایت گروهی رخداد تماماً مختص مطالبی در حوزه روشنفکری است. مراد فرهادپور و گروهی از مترجمان جوان که سابقه همکاری‌شان به مجله ارغنون می‌رسد نویسندگان ثابت سایت رخداد هستند. فرهادپور این سال‌ها ترجمه متون جدی فلسفه را دنبال می‌کند. پایان سال گذشته او با همکاری امید مهرگان «دیالکتیک روشنگری» اثر کلاسیک مکتب فرانکفورت را به فارسی برگرداند و این همکاری امسال ترجمه منتخبی از آثار والتر بنیامین با نام «عروسک و کوتوله» را به ارمغان آورد. «رخداد» هم در اصل نامی کلی برای مجموعه کتاب‌هایی است که تاکنون یک مجلد آن با محوریت معرفی «اسلاوی ژیژک» منتشر شده است. علی‌الظاهر قرار بر این است که نویسندگان رخداد نوشته‌های خود در حوزه نظریه انتقادی و سیاست رادیکال را در این سایت قرار دهند.

هنوز معلوم نیست تجربه نوشتن در فضای مجازی به مذاق مخاطبان ایرانی خوش بیاید. اما با این‌ها در جمع‌بندی سال ۸۵ می‌توان گفت که روشنفکران ایرانی با پروژه‌های فکری مشخص، فارغ از هر محدودیت برای حضور در حوزه عمومی تلاش می‌کنند. سال ۸۵ سال بازگشت روشنفکران به حوزه عمومی بود.

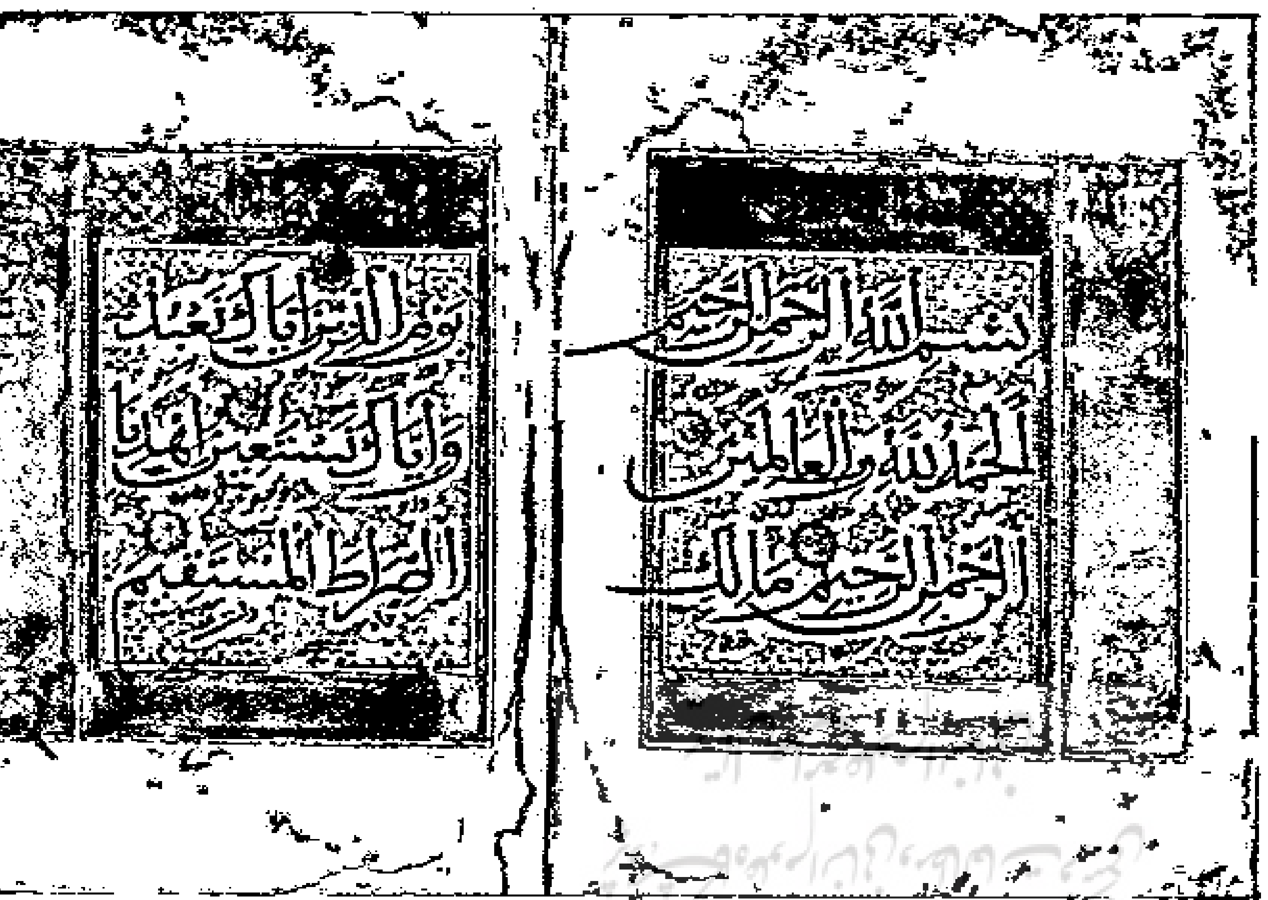

آفاق ترجمه متون مقدس

معیارهای ترجمه متون دینی

احمد شهدادی

موضوع بحث، آفاق ترجمه متون قدسی و دینی است. سامرست موآم در اپیگراف کتاب «بر لبه تیغ» از «اوپانیشادها» نقل می‌کند: «بر لبه تیغ گذر کردن دشوار است؛ بدین سان دانایان می‌گویند که راه رستگاری دشوار است». ترجمه به طور کلی و ترجمه متون مقدس به طور خاص، مصداق روشن چنین سختی است. به واقع کار دشوار ترجمه متون دینی در هر زبان، گونه‌ای گذر کردن بر لبه تیغ است. در مبحث ترجمه متون مقدس چند نکته مهم و بنیادین را تحت عنوان «افق» طرح می‌کنیم.

افق سبک‌شناختی

مترجم متون دینی باید در آغاز هر ترجمه برای به دست آوردن و مشخص کردن چگونگی سبک هر متن بکوشد و این نخستین قدم برای هر ترجمه درست است. وقتی می‌خواهیم متنی را ترجمه کنیم، مثلاً بخشی از قرآن کریم، احادیث یا احتجاجات دینی را به زبان فارسی برگردانیم، لازم است پیش از هر چیز، سبک آن متن را بشناسیم و عناصر آن را تحلیل کنیم.

پرسش اساسی این است: سبک متن چیست و معلول یا فرآورده کدام عوامل است؟ سه رهیافت به متن وجود دارد: افق‌بینی، دوربینی، فرهبینی. با لحاظ این سه رهیافت باید سبک متن را مشخص کرد. در مبحث افق سبک‌شناختی چند نکته اساسی وجود دارد:

۱. نثر معیار: در دوران معاصر، زبان‌آگاهی پدید آمده است و این، کار مترجم را دشوار اما زیبا می‌کند. زبان، خود، دستگاه نشانه‌ها و نمادهاست. در ترجمه، آگاهی به نمادها و خبرگی در کاربرد آنها لازم است. شنیدن واژه‌ها در چینش فرهنگی و زمانی و نیز حساسیت به واژه، جمله، عبارت، پاراگراف و اصطلاحات بایسته است. ترجمه گونه‌ای گذار زبانی است. از دیگر سو، متیو آرنولد گفته است: «خواندن، فرهنگ است». اگر به این لحاظ فرهنگی توجه کنیم، درمی‌یابیم که امروز نیز نثر مرده، آکنده از حشو، نثر چرب و انشانویسی نیز به کار ترجمه متن قدسی نمی‌آید.

۲. چهار رهیافت: نکته دیگر در افق سبک‌شناختی، رهیافت‌های گوناگون به ترجمه متن مقدس و دینی است. چهار شکل: الف. واژه به واژه ب. جمله به جمله ج. عبارت به عبارت د. کل مفهوم. چهار رهیافت در ترجمه‌اند. البته به لحاظ زبانی، عصر ترجمه واژه به واژه واقعاً سر آمده است. در هر حال و حتی اگر رهیافت مفهومی به ترجمه دنبال شود، یک نکته نباید فراموش شود. آن نکته مهم این است که ترجمه مینی‌مالیستی هم مطلوب است: گرایش به حداقل زبانی و ایجاز؛ ترجمه متن دینی باید کمال ایجاز و اختصار را داشته باشد.

۳. آرکاییسم یا نوگرایی: ترجمه ویران کننده سویه قدسی متون مقدس است. پس باید چاره‌ای اندیشید. یکی از این چاره‌ها توجه به عناصر زیبایی‌شناختی از جمله آرکاییسم و باستان‌گرایی است. اما در کاربرد این چاشنی نباید افراط کرد. به همین دلیل است که مثلاً ترجمه منظوم، کاری عبث و بر بنیاد دیدگاه نادرستی از زیبایی‌شناسی زبان است.

یکی از مفاهیم مهم ترجمه متون مقدس، عناصر «لذت هنری» در آنهاست. آیا وجود چنین عناصری لازم است؟ نویسنده‌ای کتابی دارد با عنوان «چگونه کتاب بخوانیم تا لذت ببریم». کتاب راهنمای مترجمان باید این عنوان را داشته باشد: «چگونه ترجمه کنیم تا لذت ببرند». نباید از انتقال عناصر زیبایی‌شناختی در متن قدسی غافل بود. گاه ترجمه ساده و درست، منعکس کننده برخی از زیبایی‌های متن قدسی است.

۴. تأملات واژه‌شناختی: مترجم باید در هر دو زبان، یک واژه‌نامه مفید و جامع باشد. ترجمه واژگان متن دینی کاری مهم است. مثلاً جن را به «پنهان‌زیست» ترجمه کرده‌اند اما «پری» بهتر است. هر چند خود «جن» نیز بارهای معنایی خود را دارد. کندراتوف گفته است: «واژه‌های دستوری مثل ضمایر، حروف اضافه، حروف ربط، حروف تعریف و افعال اسنادی ۲۵ درصد زبان نوشتار را تشکیل می‌دهند». بنابراین توجه به ریشه‌شناسی واژه‌های متون دینی امری بایسته است.

افق کاربردشناختی

افق مهم دیگر در عرصه ترجمه متون مقدس، افق کاربردشناختی است. در ترجمه هر متن باید به کارویژه‌های تاریخی توجه شود. مثلاً ترجمه برای مخاطبان خاص، کم‌سواد، کودکان و نوجوانان لازم است. از طرف دیگر، بحث

روزآمدی ترجمه هم بسیار اهمیت دارد. کارل بارت، متأله پروتستان، گفته است: «عالمان دین باید در یک دست کتاب مقدس و در دست دیگر روزنامه داشته باشند» و این در متون دینی واقعیتی انکارناپذیر است که باید برای همه گروه‌ها و به تناسب نیازهای آنان مطرح شود.

افق معناشناختی

افق مهم دیگر در ترجمه متن مقدس و دینی، جنبه معناشناختی آن است. مترجم در این بخش باید به چند نکته اساسی توجه کند:

۱. سطوح مختلف زبان و کاربردهای آن: زبان سطح‌های مختلفی دارد و از ادبی، کهن و علمی گرفته تا صنفی، عامیانه و رسمی و... امتداد می‌یابد. مترجم باید معلوم کند که زبان متن در زبان مبدأ چیست و خود او می‌خواهد آن را به چه سطحی از زبان مقصد ترجمه کند.

۲. تطورات زبان: تطورات زبان بحث دیگری در افق معناشناختی است. باید دانست که زبان دائماً تغییر می‌کند. امروزه زبان فارسی، زبان کهن و زبان... الیان پیش نیست. ساختار و نیز واژه‌ها دگرگون شده‌اند. امروز می‌گوییم: ماهواره، جشنواره، رونشد، فرایند زبان‌شناسی. دیروز در برابر این‌ها هیچ نمی‌گفتیم. امروز می‌گوییم: حلقه... راند... حوالة... سکه، تجربه یا آزمون. دیروز می‌گفتیم: دارو غه، سورچی، قطیفه، اشرفی، تجربه. مبنای تغییر هم علم و فرهنگ و جامعه و زندگی روزمره است.

۳. تفسیر و تأویل: از دیگر مباحث مطرح در افق معناشناختی، بحث تفسیر و تأویل است. هر ترجمه به ناچار نوعی تفسیر از متن اصلی است. بدون تفسیر، ترجمه به طور کلی و ترجمه متون دینی به نحو اخص ممکن نیست. اصول تفسیر عبارت‌اند از: تبیین مقصود اصلی، انتقال معنای حتی‌الامکان واقعی واژگان، مشاهده زمینه و کانتکست، ارتباط با زمینه‌های تاریخی فرهنگی، قالب ادبی (مثلاً شعر)، تفسیر متن به متن بر اساس طرح مؤلف، مطالعه واژه و دستور. به یاد داشته باشیم: خدا به زبان انسان سخن می‌گوید.

آیا هر ترجمه، تفسیری است؟ دو شیوه متفاوت برای ترجمه کتب مقدس وجود دارد:

الف) همترازی صوری: ترجمه صوری و کاملاً دقیق متن و حتی ترجمه واژه به واژه متن در این جا مراد است. مترجم نمی‌خواهد بگوید مراد خدا یا متن مقدس چیست، بلکه صرفاً کلمات خدا یا متن مقدس را منتقل می‌کند.

ب) همترازی پویا: اضافه کردن فهم مترجم به متن است. معنای متن به علاوه فهم و برداشت مترجم ساخته می‌شود. این رهیافت را کنت تیلور در ۱۹۷۱ گشود. او دید که ترجمه کینگ جیمز از کتاب مقدس برای کودکان نامناسب است. بعد که دست به کار ترجمه‌ای مفهومی‌تر و تفسیری‌تر شد، دید که برای بزرگسالان نیز آن ترجمه قدیمی چندان کارآمد نیست. این است که خود، ترجمه انجیل زنده را به تمامت داد. پس از کار او شمار ترجمه‌های پویا رواج یافت.

در بحث تفسیر باید گفت که سه نوع دخالت تفسیری در متن ممکن است: افزایش، کاهش، تصرف و تغییر ساختار و چینش. گاهی تصریح به تفسیر متن و نیز معلوم کردن مراد واقعی متن لازم است. مثلاً اگر در آیه «انه ربی احسن مثوای»، ضمیر را به «عزیز مصر» برگردانیم، چنان‌که برخی از مفسران گفته‌اند لایه دیگری از معنا را برای آیه منتقل کرده‌ایم. اگر این ضمیر به «عزیز مصر» باز گردد، تصریح به آن لازم است و نمی‌توانیم ضمیر را «او» ترجمه کنیم. گاهی افزایش بر اساس نیازی فرامتنی لازم می‌شود. در قرآن کریم آمده است: «وسیق الذین کفروا الی جهنم زمراً»، «وسیق الذین اتقوا ربهم الی الجنة زمراً». «سیق» مجهول را می‌توان به معلوم ترجمه کرد. خرمشاهی گفته است: اما اگر این دو کلمه را معلوم ترجمه کنیم باید توجه داشته باشیم که کافران را به جهنم می‌رانند، ولی متقیان را راهنمایی می‌کنند. در این جا افزودن کلمه‌ای که این معنا را انتقال دهد لازم می‌شود.

جلال‌الدین فارسی در ترجمه «یا ایها الذین آمنوا» به اصرار می‌آورد «همان آی کسانی که ایمان آورده‌اند». اما مثلاً خرمشاهی در تقریباً همه موارد «ای مؤمنان» ترجمه کرده است. موسوی گرمارودی هم «ای مؤمنان» آورده است.

۴. عناصر معرفت‌شناختی: یکی دیگر از ارکان مباحث معناشناسی ترجمه، موضوع عناصر معرفتی است. ما در مواجهه با یک متن همواره با طیفی از لایه‌های معنایی روبه‌روییم. ساخت‌های فکری، فلسفی، کلامی، تاریخی، اجتماعی و اخلاقی، سازنده هر متن و تلقی ما از هر متن‌اند. در ترجمه باید برای همه این مفاهیم فکر شود و بحث انتقال آنها ارزیابی گردد.

۵. صورت یا محتوا: نزاع مهمی در مباحث ترجمه متون مقدس درباره تقدم و اولویت انتقال صورت یا محتوا وجود دارد. گاه تقوای ترجمه متون مقدس باعث می‌شود که مترجم به ترجمه تحت‌اللفظی دچار شود و ناخواسته معنای روشن متون را تیره کند. اما این دقت پرهیزکارانه باید با گونه‌ای معناباوری همراه شود تا خواننده از درک درست معنا عاجز نماند. در کار ترجمه باید به این موارد توجه شود: تقدیم و تأخیر اجزای جمله بر حسب زبان مقصد، جایگاه و کارکرد فعل، مفعول و فاعل، مرجع ضمایر، نسبت‌های بیانی و معنوی کلمات، جنسیت، عموم و خصوص، شخص، کنایه، همچنین بارهای عاطفی، اجتماعی، فرهنگی، عمومی، خصوصی و نیز مفاهیم چندلایه، صریح، خطی، دایره‌ای.

در ترجمه‌های تحت‌اللفظی، بنیاد و مرکز ثقل ترجمه، صورت و فرم بود. اما در ترجمه‌های معنامحور و جدید، محتوا و پیام است. البته گاهی ترجمه مفهومی یا پیام‌محور موجب گسست ساختار و چینش خطی روایت متن مقدس می‌شود. اما آیا این امر بدتر است یا مفهوم نبودن متن؟ این پرسشی جدی است.

۶. آشکاری و آشکارگری: غموض متن، معلول فاصله‌های تاریخی و فرهنگی و زبانی است. فواصل زبانی و مبانی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی هم مؤثر است. کاربرد ناهماهنگ دو زبان نیز عامل دیگری است.

در هر حال، مترجم باید به ساده‌سازی توجه کند و این غیر از سطحی‌گرایی است. برای همین است که نمی‌توان از واژه‌های جاافتاده و تعمیم‌پذیرفته چشم پوشید.

در ترجمه به یک نکته دیگر باید توجه داشت. پرهیز از غلبه عربی‌گرایی یا زبان صنفی لازم است.

۷. الزامات بلاغی و زیبایی‌شناختی متن: متن قدسی سرشار از زیبایی است. اما پرسش این است که انتقال زیبایی‌های متن از چه راهی ممکن می‌شود؟ زیبایی‌شناسی هر متن بر اساس زبان شکل می‌گیرد. اما اگر انتقال دستگاه زبانی زیبایی‌ساز از زبان مبدأ به زبان مقصد ممکن نباشد، حفظ صورت ساده و طبیعی کلام اولویت دارد. زیبایی مصنوعی آفت است.

افق ریخت‌شناسی (ساختار یا ریخت)

یکی دیگر از ابعاد مهم ترجمه، بعد ریخت‌شناسی آن است. ریخت یا ساختار در متون قدسی نباید نادیده انگاشته شود. از این رو با دقت فراوان باید برای انتقال بهتر مفهوم کوشید. در افق ریخت‌شناسی، چند مبحث اهمیت فوق‌العاده دارد:

۱. متن و فرامتن: توجه به همه مفاهیم و عناصر هاله‌ای در هر متن که گرداگرد متن تنیده‌اند و فهم آن متن منوط به فهم آنهاست، اساسی است. متن چیزی بیش از کلمات موجود بر کاغذ است. هر متن فضایی پیرامون خود دارد که با کلمه به کلمه به زبان و عینیت درنمی‌آید.

۲. نسخه‌ها و تعدد نقل‌ها: توجه به این مهم نیز باعث گریز از برخی خطاهای لفظی و معنایی می‌شود.

۳. دستور زبان و واژه‌ها: تفاوت‌ها و شباهت‌ها؛ پایبندی به دستور زبانی متن مبدأ کاری نادرست و دردسرزاست. آنچه واقعاً اهمیت دارد، رعایت دستور زبان مقصد است. مثلاً باید به کاربرد زمان افعال در هر دو زبان توجه کرد. مواردی از این دست سرنوشت‌ساز است. آیا مثلاً صیغه مجهول یا تأنیث در زبان مبدأ یا مقصد وجود دارد؟ برای نمونه «... دا» گفته است «سفید همچون برف» در کتاب مقدس برای مردمی که برف ندیده‌اند نامفهوم است. می‌توان «بسیار بسیار سفید» یا «سفید همچون پر قو» ترجمه کرد.

گاهی در ترجمه، تغییر ساختار لازم است. مثلاً بسیاری از مترجمان «واو» استینافیه یا زائده را ترجمه می‌کنند. برخی هم به درستی، ترجمه نمی‌کنند. «ولکم فی القصاص حیاة»، «ولیکون من الموقنین».

تقدم و تأخر کلمات نیز از مثال‌های دیگر است: «وقالوا ما هی الا حیاتنا الدنیا نموت ونحیا». میبدی: «می‌زییم و می‌میریم»؛ خرمشاهی: «زندگی می‌کنیم و می‌میریم»؛ آیتی: «به دنیا می‌آییم و می‌میریم».

۴. همزبانی کلی و مجموعی: در بحث ریخت و ساختار باید به یک نکته دیگر هم توجه داشت. پاره‌ها و بخش‌های ترجمه باید هماهنگی و همنوایی کامل با دیگر بخش‌ها و پاره‌های کلیت متن قدسی داشته باشند. همچنین باید با فضای کلی و سپهر ادراکی آن دین تعارض نشان ندهد.

افق روان‌شناختی

در این افق نیز نکات مهمی وجود دارد که مترجم متن قدسی نمی‌تواند از آن‌ها چشم بپوشد. به هر حال نوع نگاه مترجم و انگیزه‌ها و سائقه‌های او در ترجمه دخالت می‌کند. از این رو باید با دقت به جنبه‌های مختلف این افق نگریست.

۱. دلیل انتخاب: نخستین پرسش هر مترجم باید این باشد: گزینش کدام متن برای ترجمه مفیدتر و کارآمدتر است؟ خلأها و کاستی‌ها کجاست؟ مترجم باید صرفاً مغلوب انگیزه‌ها و سائقه‌های ذهنی خویش نشود و با نگاهی جمع‌گرا و چندساحتی به موضوع بنگرد.

۲. حفظ عناصر فرقه‌ای یا طرد آن: در ترجمه بیشتر متون مقدس، حفظ عنصر فرقه‌گرایی دشواری‌ساز است. مثلاً بحث قرآن الشیعه در ترجمه و نیز کلاً نادرست و تباهی‌آور است.

۳. حفظ روایات شاذ یا عام: در واقع مترجم نباید با تکیه بر نقل‌های شاذ به ترجمه و انتقال مفاهیم قدسی بپردازد. حفظ کلیت متن و نیز عمومیت آن وظیفه مترجم است.

۴. نگاه بومی یا جهانی: زدودن فضا و سپهر محلی از متن و فراگسترکردن آن، کار ترجمه خوب و درخشان است.

۵. باورها و پیش‌فرض‌ها: پیش‌فرض‌های مترجم در سویه‌های مختلف بر ترجمه اثر می‌گذارد. اگر مترجمی اعتقاد به زبان امروز داشته باشد، معتقد به زیباسازی ترجمه باشد، پرسش‌های رایج عصر و نسل امروز را بداند، به گونه‌ای ترجمه می‌کند و اگر مترجمی همه اینها را نداند و به آن اعتقاد نداشته باشد، گونه‌ای دیگر. این پیش‌فرض‌ها هم در انتقال معنا مؤثرند و هم در انتقال شکل و صورت. مثلاً فیض‌الاسلام در ترجمه «ووصینا الانسان بوالدیه» در برابر «انسان» پرانتز باز کرده و گفته است «امام حسین علیه‌السلام». این نوعی روایت شیعی در تفسیر قرآن است که گونه‌ای تفسیر و تأویل باطنی است و فیض آن را پیش‌فرض ترجمه خود گرفته است.

فرجام سخن

امروز دیگر ترجمه‌های تازه متون مقدس باید بر اساس روش علمی فراهم شوند. ترجمه مثلاً قرآن کریم هنوز هم راه نرفته دارد. با هر ترجمه خوب ما به متن قدسی نزدیک‌تر می‌شویم. امیلی دیکنسون، شاعر متأله آمریکایی، خوب گفته است: «افزایش بندرها، کاهش دریا نیست».